

صور خيال در شعر ابو الفضل زرویی نصرآباد

أ.م.د. خیریه دماک قاسم

جامعة بغداد-كلية اللغات - قسم اللغة الفارسية

شاعران از دیرباز تا کنون شیوه‌های متفاوتی را برای بیان اندیشه‌ها و عواطف خویش برگزیده‌اند. آنان با بهره‌گیری از تخیل سیال خویش برای انتقال مفاهیم و مضامین خود تصاویری را خلق کرده‌اند. این تصاویر علاوه بر افزودن به غنای ادبی آثار، اشعار را زیباتر و خواندنی‌تر نموده‌اند. همچنین استفاده از صور خیال زمینه‌کشف و واکاوی آثار را در پی دارد. نگاه شاعران طنزپرداز به مقوله صورخیال و بهره‌گیری از آن نگاهی متفاوت و سرشار از تازگی است. ابوالفضل زرویی نصرآباد از طنزپردازان معاصر آثار متعددی را در حوزه طنز پدید آورده است. از آنجا که تعداد آثار این شاعر بسیار است و این شاعر بیشتر در حوزه طنزگویی و طنزپردازی فعال بوده است، مجموعه شعر طنز «رفوزه‌ها» اساس کار ما قرار گرفت. در این جستار صورخیال در شعر ابوالفضل زرویی نصرآباد را با تمرکز بر مجموعه شعر «رفوزه‌ها» بررسی کردیم. علاوه بر این در بخشی جداگانه به مهم‌ترین صورخیال که منجر به قوت وجه طنز در شعر او شده است می‌پردازیم. **کلیدواژگان:** شعر، صور خیال، شعر معاصر، ابوالفضل زرویی نصرآباد، شعر طنز بیان مسئله

مطالعه شعر و بررسی آن به شناخت و درک بهتر آن منجر خواهد شد. یکی از عواملی که می‌تواند این شناخت را میسر کند، بررسی صور خیالی است که شاعر مورد استفاده قرار می‌دهد. صور خیال هر شاعر نوع نگاه و جهان‌بینی او را نشان می‌دهد و از این رو علاوه بر شعر، شناخت بهتر شاعر و اندیشه و عواطف وی را در پی دارد.

اهداف پژوهش
هدف اصلی این پژوهش بررسی صور خیال در شعر ابوالفضل زرویی نصرآباد است. همچنین در این مقاله مهم‌ترین صور خیال در شعر وی را که منجر به بروز وجه طنز و قوت آن در شعر او شده است مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت.

نوع پژوهش
این پژوهش در حوزه‌ی پژوهش‌های توصیفی، تحلیلی می‌گنجد. نگارنده می‌کوشد پس از مطالعه و گردآوری داده‌ها از مهم‌ترین اثر منظوم طنز وی (رفوزه‌ها) و نیز تحقیقات پژوهشگران آنها را طبقه‌بندی، تبیین و تحلیل نماید.

پیشینه‌ی پژوهش
به طور کلی می‌توان گفت هیچ دوره‌ای از ادوار تاریخ ادبی ایران خالی از طنز و طنزپرداز نبوده است. اما آنچه نویسندگان ما در شناخت و معرفی طنز و طنزپردازی گفته و نوشته‌اند سابقه‌ی طولانی نداشته و عمر آن از چهل سال نمی‌گذرد. بدون احتساب مقاله‌ها، گزارش‌ها و تحقیقات محدود، اولین کار جدی در شناخت و معرفی طنز و طنزپردازان ادب فارسی، تحت عنوان «طنزآوران امروز ایران» در سال ۱۳۵۶ توسط بیژن اسدی پور و عمران به چاپ رسید. این کتاب به عنوان نقطه‌ی آغازین در بررسی و شناخت طنز، راه‌گشای حرکت‌های بعدی در این مسیر شد. تا کنون مقالات و پژوهش‌های متعددی در رابطه با شعر طنز نگاشته شده است. اما بررسی صور خیال در شعر ابوالفضل زرویی نصرآباد تاکنون انجام نشده است. نگارنده در این پژوهش در پی بررسی این موارد خواهد بود.

روش پژوهش
این پژوهش بر اساس روش کتابخانه‌ای فراهم شده است و در این میان کتاب‌های ادبی و مقالات و پژوهش‌های متعددی مطالعه شد. کتاب «رفوزه‌ها» به عنوان اصلی‌ترین منبع اساس مطالعه قرار گرفته است.

مقدمه
از دیرباز تا کنون شاعران فارسی زبان در پی آرایش کلام خود بوده‌اند. آراستن کلام در ادوار گوناگون شعر فارسی جلوه‌های گوناگونی داشته است. علاوه بر این در دوره‌هایی نیز اشعاری طبیعی و بدون آرایش‌های صوری و تکلف و تصنع سروده شده و مورد توجه قرار گرفته است.

ادبیات، هنری کلامی است و به عنوان پدیده‌ای اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. آثار ادبی، به ویژه شعر، نتیجه‌ی شناخت و تجربه‌ی ذهنی و یا عینی فردی است که در پیوند با قوه‌ی تخیل، همراه با احساس، با زبانی آهنگین و در شکل مناسب ارائه می‌گردد. به عبارت دیگر، عناصر سازنده‌ی اثر ادبی، بویژه شعر، عاطفه، تخیل، زبان، آهنگ و شکل است (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۷: ۱۵).

نوع زندگی و روابط انسان در اجتماع به گونه‌ای است که پدیده‌های فرهنگی متنوع را به وجود می‌آورد. ادبیات مانند بسیاری از پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی دیگر، در پی تحولات اجتماعی دگرگون می‌شود و نیز خود اثرگذار بر وجهه‌های مختلف اجتماعی است. این تأثیر و تأثر، غیرقابل انکار و البته به صورت جدی مناقشه‌برانگیز است. ادبیات، هنری است که به نوعی سیر کمال فردی و اجتماعی را نشان می‌دهد، ما را به ژرف‌اندیشی و تفکر و دستیابی به گوهرهایی سوق می‌دهد، که می‌تواند مبنای حرکت و تحوّل‌ی گردد که در سرنوشت دیگران هم اثرگذار باشد. به عبارت دیگر، ادبیات زمینه‌های اندیشیدن نوین را فراهم می‌آورد که مقدمه‌ی دگرگونی اجتماعی پس از خود می‌گردد. هر اثر ادبی‌ای برآمده از اندیشه‌مخیل و احساس لطیف انسان است و آفریننده‌ی آن که ذاتاً موجودی اجتماعی است، خواه ناخواه از جامعه خود متأثر می‌گردد و جلوه‌های گوناگونی از فرهنگ زیستی خود را در آثار خویش بروز می‌دهد. رابطه‌ی تنگاتنگ ادبیات با جامعه چنان است که می‌توان با نگرستن به یک اثر، به اطلاعات گوناگون و مفیدی در باب جامعه‌شناسی یک منطقه دست یافت.

صور خیال
شاعرانی که به صورخیال توجه نشان داده و از ظرفیت‌های آن در شعر خویش بهره برده‌اند هرگونه معنا و مضمونی را در پرتو تخیل شاعرانه بیان نموده‌اند. ایشان به یاری تخیل خویش آنچه در ضمیر و نهان خویش داشته بازگو کرده و کلام را به شکلی مخیل ارائه کرده‌اند. در بسیاری از موارد نظم خویش را به شعر نزدیک کرده‌اند. آنچه در ادبیات غرب «ایماژ» نامیده می‌شود همان تصویرها یا به عبارتی صورخیال است. صورخیال عنصر همیشگی و جوهره‌ی اصلی شعر است. چیزی است که شعر بی‌آن سخنی ساده و عادی است. نظامی عروضی در چهارمقاله شاعری را نوعی صنعت می‌داند و این چنین به خیال و صور خیال اشاره می‌کند: «برآن صورت که معنی حقیر را بزرگ و معنی بزرگ را کوچک جلوه دهند و زشت را به وجه نیکو و نیکو را زشت نشان دهند.» (نظامی عروضی، ۱۳۶۶: ۴۲). خیال را شیخ یا پرهیب اشیاء می‌گویند آن چنان که مترسک را به آن دلیل که شیخ و تصویری پرهیب از انسان است، خیال می‌گویند (علوی مقدم، ۱۳۷۰: ۱۳). صورخیال و انواع آن را که متقدمان و متأخران از آن سخن گفته‌اند می‌توان همان آرایه‌های ادبی

صوری و معنایی دانست که عبارتند از: تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، ایهام، اغراق، جناس، تضاد، تکرار، حس آمیزی، تشخیص، تلمیح، مراعات نظیر، تمثیل، تضمین، پارادوکس، ملمع. محققان و منتقدان ادبی، خیال را یکی از محوری ترین عناصر هنر و شعر دانسته اند؛ چنانکه گفته اند: هیچ تجربه ای از تجربه های انسانی که می تواند موضوع شعر قرار بگیرد، بی تأثیر و تصرف نیروی خیال، ارزش هنری و شعری پیدا نخواهد کرد (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۲۷). این تخیل نیروی است که به کمک آن شاعر بین مفاهیم و اشیاء ارتباط برقرار می کند و به این وسیله چیزی را بیان می کند که دیگران تاکنون درنیافته اند و یا بیان نکرده اند. این کوشش ذهنی شاعر در حوزه خیال صورت می گیرد بگونه ای که می توان گفت: عنصر عاطفه و تفکر و احساس شاعر با تصرف و تخیل ارزش شعری پیدا می کند. تصرف ذهن شاعر در مفاهیم معمولی و ارتباط انسان با طبیعت که به وسیله شاعر بیان می شود و دامنه بسیار گسترده ای هم دارد، تخیل شاعرانه نام دارد (الهامی، ۱۳۷۳: ۳۳). بررسی صورت های شعری شاعران حامل اندیشه و مختصات درونی ایشان است. آشنایی با تصاویر و تعابیر و معانی شاعران از طریق صور خیال در شعر ایشان امکان پذیر خواهد بود. شفیعی کدکنی معتقد است که به سبب تجربیات ویژه هر شخص، صور خیال وی نیز مختص خود اوست. از این رهگذر تصویرهای خلق شده شاعران ارتباطی مستقیم با تجارب ایشان دارد (ر.ک. شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۲۱). ایماژ یا خیال یکی از عناصر اصلی در شعر است. خیال تجربه ای است که غالباً که با بهره گیری از عاطفه همراه است. صور خیال محصول آگاهی و تجربه شاعران است که برگرفته از محیط اطراف شاعر است. به بیان دیگر تصاویر شعری، نمایانگر احوالات شخصیتی و درونی شاعر است (سنگری، ۱۳۸۰: ۱۷۷).

شعر

شعر در بطن خود نیازمند تئوری های شعر نیست. بالندگی و رشد شعر نیز گاه بی هیچ نظریه ای میسر است. وجود شاعرانی که در بند تئوری ها و نظریات شعری نبوده اند می تواند این فرضیه را تا حدودی به اثبات رساند. این بحث در پی آن نیست که راه نقد و نظر در باب شعر نوجوان را ببندد. منتقد و نظریه پرداز به شرط نگرش و رویکرد درست و به دور از حب و بغض می تواند مسیر رشد و تکامل شاعر را هموار کند (ر.ک. رجبزاده، ۱۳۸۱: ۱۷۰). تمامی دانشمندان و کارشناسانی که در شناسایی فرهنگ و ادب و تمدن ایران پیش از اسلام تلاش کرده اند، در این باره هم عقیده اند که ایرانیان در پیش از اسلام یعنی دوره های پادشاهی اشکانی و ساسانی و حتی در زمان مادها و هخامنشیان به فن شعر و شاعری آشنا بوده و یادگارهایی به جا گذاشته اند. دلیل عمده آنان در این مدعا وجود آلات موسیقی و آثار شعری باقی مانده است. «هرجا شعر و سروده ای بوده است، موسیقی به همراه داشته است و هرجا موسیقی حضور داشته، شعرها، سروده ها و ترانه ها آن را یاری نموده است». (موسوی، ۱۳۸۷: ۲۲) زبان شعر، زبان رمز است. در سطح حرکت نمی کند، جریانی است در اعماق. ابهام دارد و راز زنده بودن و حیات آن در مبهم بودن آن است. شاعر نام شیئی را در هیئت کلمه ای باز می گوید و اشیایی دیگر را تعریف کرد، اراده می کند. خود را می گوید و خلق را نشان می دهد. من را می گوید و ما را پیش چشم می نهد. همین امر زبان شعر را زبانی مبهم، پیچیده و رازآمیز جلوه می دهد (علی پور، ۱۳۸۷: ۲۵). دکتر همایون فرخ در اثر خویش، «تاریخ هشت هزار سال ایرانی» ذیل مبحث اصطلاحات و نام های خاص انواع شعر و مفردات آن در ایران باستان قطعه و قصیده را در ایران آن روزگار چنین تعریف می کند: «قصیده (هایتی) که به معنی فصل است و هم به معنی یک قصیده که دارای چند قطعه باشد. قطعه (وچش تثنی) مرکب از «وجه» به معنی واژه و به معنی سخن «تش» به معنی بریدن و اندازه گرفتن است». (همایون فرخ، ۱۳۷۰: ۷۹۳-۷۹۴) شعر طنز

طنز در لغت نامه دهخدا به معنی فسوس کردن، بر کسی خندیدن، عیب کردن، طعنه و سخنی به رموز گفتن آمده است. شیری در مقاله «راز طنزآوری» می نویسد: آثاری را طنز به شمار می آوریم که با بهره گیری از صناعات ادبی رایج، عیبها و فسادهای اجتماعی را به زبان تمسخر و طعنه بیان کنند. به بیان دیگر طنز گونه ای از ادبیات است که شوخی و مزاح را به هم می آمیزد تا رفتارهای زشب و ایرادات جامعه و انسان را آشکار سازد (شیری، ۱۳۷۶: ۴۲). با این تعریف، طنز گونه ادبی است که طعن و ایرادات را بازگو می کند. در این میان وجه ادبی پررنگ است. به این اعتبار، طنز در یک متن وجه ادبی بودن آن را بالا می برد و سبب ورود آن به حوزه ادبیات می شود. طنز از دیرباز تا کنون در شعر فارسی حضور داشته است. رویکرد شاعران طنزنویس به این مقوله در دوره های گوناگون متفاوت بوده است. گاه طنز رنگ و بوی هجو به خود می گرفته و گاه سرشار از عبارات و واژگان رکیک بوده است. اما عنصر مهم و مشترک شعر طنز در ادوار گوناگون جنبه انتقادی طنز بوده است. می توان گفت در هیچ دوره ای از دوره های تاریخ ادبیات، ایران تھی از طنز و طنزپردازان نبوده است. اما پرداختن به طنز و نقد و بررسی آن گذشته های طولانی نداشته است. یکی از مهم ترین و جدیدترین آثار در حوزه طنز کتاب «طنزآوران امروز ایران» است که بیژن اسدی پور در سال ۱۳۵۶ نوشته است. این اثر در نقطه عطفی در مسیر شناخت طنز و وجه گوناگون آن بوده است. طنز پس از انقلاب همان مسیر گذشته را می پیماید و با ظهور گل آقا پیش از پیش به میان مردم نفوذ می کند. طنز در دهه هشتاد از شتاب و جسارت گذشته فاصله می گیرد. طنز این دوره زبان تیز ندارد و به نوعی دچار سرگردانی است. این سرگردانی هم در کتاب های طنز به چشم می خورد و هم در عرصه مطبوعات قابل رؤیت است. اما همچنان زنده است و طنزنویسان برای رشد آن تلاش می کنند.

ابوالفضل زرویی نصرآباد

ابوالفضل زرویی نصرآباد (تولد ۱۳۴۸ وفات ۱۳۹۷) شاعر و طنزپرداز معاصر است. وی از سال ۱۳۶۸ فعالیت ادبی و مطبوعاتی خویش را آغاز کرد. زرویی سالها در نشریاتی چون گل آقا، همشهری، ایرانیان، جام جم، زن، بانو و ... قلم زد. وی با اسامی مستعاری همچون ملانصرالدین، کلثوم ننه، میرزا یحیی، عبدل، چغندر میرزا و ... مطلب می نوشت. برخی از مهم ترین آثار زرویی نصرآباد عبارتند از: تذکره مقامات، رفوزه ها (مجموعه شعر)، حدیث قند، غلاغه به خورش نرسید، مستطاب خرپژوهی و ...

صور خیال در شعر ابوالفضل زرویی نصرآباد

در این مقاله مهم ترین صورخیال را از مجموعه شعر «رفوزه ها» استخراج نمودیم. علاوه بر این در بخشی جداگانه به مهم ترین صورخیال که منجر به قوت وجه طنز در شعر او شده است خواهیم پرداخت.

حس آمیزی

شاعر در بیت زیر حس شنوایی، بویایی و بینایی را به هم آمیخته است. و این چنین تصویر زنده و جاندار را خلق کرده است.

کلام بوی شلغم ناک احساسی است

آبی رنگ (زرروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۱۸)

در شعر زیر حس بینایی و شنوایی به هم آمیخته است.

من کنار بغض سبز گریه ها لمیده ام ... (زرروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۹)

«گرمای انتخابی» در بیت زیر نتیجه آمیختن دو حس لامسه و بینایی است.

وای اگر تنگ همچو اوقاتی بود گرمای انتخاباتی (زرروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۳۸۵)

تشخیص

در شعر زیر، شاعر فعلی انسانی - فهمیدن و درک کردن و احساس کردن - را به کفش نسبت داده است.

برادر جان

چرا کفش تو پایم را نمی فهمد؟!

چرا له می کنی کفش مرا با کفش

بی احساس گل مالت (زرروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۱۸)

در دو بیت زیر، شاعر از روز سخن می گوید و افعالی انسانی - سر زدن، قدم زدن - را به روز نسبت می دهد.

روز اگر سر به کوچه هم می زد

دور ماشین خود قدم می زد

(زرروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۳۸۱)

اسلوب معادله

شاعر در شعر زیر میان مصراع اول و دوم ابیات در مفهوم نان به نرخ روزخوری اسلوب معادله برقرار کرده است.

آری اخلاق ناصری تئوری است

اهل اخلاق رو به دیوارند

دوره نان به نرخ روزخوری است

نیک بختان کلاه بردارند

(زرروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۲۳۸)

در بیت زیر، شاعر میان مصراع اول و دوم ابیات در مفهوم عدم موفقیت در فریب و ظاهرسازی اسلوب معادله برقرار کرده است.

اشکمان مصلحتی بود خدا را نفریفت

حیف شد، دانه ی ما مرغ دعا را نفریفت

(زرروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۱۳۲)

تکرار

در بیت زیر واژه «بلا» چندین بار تکرار شده است.

الحق چه خوش گفته ابوالمجد سنایی

ای دل بلا ای دل بلا ای دل بلا

(زرروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۳۵)

واژه «پست» در بیت زیر تکرار شده است:

این روابط کم کمک جای ضوابط را گرفت

ضامن پست کسان شد پست و عنوان شما

(زرروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۱۰۴)

در شعر زیر واژه «خود» و «تو» با همان معنا و به قصد تأکید تکرار شده است.

پس حساب و کتاب با خود تو

پسرم انتخاب با خود تو

(زرروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۲۱۶)

در شعر زیر واژه «یخ» چندین بار تکرار شده است.

هوا سرد است

به روی بینی ام از سقف منزل می چکد باران

زمین یخ، دست یخف پا یخ، کمر یخ، سینه یخ، دل یخ

(زرروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۳۹)

تلمیح

شاعر در بیت زیر به ماجرای «غرائق» که به زندگی پیامبر در دوران زندگی در مکه و ... اشاره کرده است.

جاهلان ظن شفاعت به غرائق برند

کس چو ماهی نکند فهم که این نیرنگ است

(زرروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۱۳۲)

مراعات نظیر

در بیت پر شاعر با اشاره به شب، ستاره و ماه مراعات نظیر ساخته است.

گر بگویی شب است گوید: آه

آری آن هم ستاره، آن هم ماه

(زرروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۲۵۹)

اشاره شاعر به بابل و سمنان و تبریز و خراسان مراعات نظیر را پدید آورده است.

بنده می پرسم که آیا ز غنا کمتر است؟

بابل و سمنان و تبریز و خراسان شما؟

(زرروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۱۰۴)

جناس

در بیت زیر میان واژگان پرند و چرند جناس برقرار است.

هر چه گویند پرند یا که چرند

(زروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۳۱۶)

در بیت زیر میان «سرش» و «پسرش» جناس ناقص برقرار است.

یک پدر گاه می زند به سرش
که شود پیر و مرشد پسرش

(زروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۲۳۶)

در بیت زیر میان واژگان «کج» و «لج» جناس برقرار است.

می گم یه وقت تو راه کج نیفتین

بیخودی رو دنده لج نیفتین

(زروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۱۷۸)

در بیت زیر میان واژگان حقیر و صغیر جناس برقرار است.

مدتی دائما به نام حقیر
می رسد نامه از صغیر و کبیر

(زروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۲۳۶)

واج آرایی

در شعر زیر واج آرایی حرف «ق» برقرار است.

آی خانوما، آی آقاییون

قربون قیل و قالتون

(زروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۱۶۳)

در شعر زیر واج آرایی حرف «ل» برقرار است.

ما هم مثل البته مثل بعض رجال

چون که تحریم هم خودش محکی است

(زروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۴۰۸)

در شعر زیر واج آرایی حرف «س» برقرار است.

چه بسا رفته ام ز دفتر کش

چسب و سربرگ و سوزن و خطکش

(زروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۲۶۴)

در شعر زیر واج آرایی حرف «ج» و «د» برقرار است.

دسته چک در جیبیتان موجود باد

(زروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۱۳۹)

در شعر زیر واج آرایی حرف «ک» برقرار است.

ای که با توست روز و شب دمخور

می کند مخچه ی تو را تبلیت

(زروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۲۶۲)

در شعر زیر واج آرایی حرف «خ» برقرار است.

در پشت این میز

ما در خیال وضع خیط و پیط خویشیم

یعنی که اینجا

در این اتاق سرد و نمناک

شادان و شنگولیم از گفتار استاد

اینجاست دانشگاه آزاد

(زروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۳۴)

ارسال المثل

در بیت زیر شاعر به «هر که بامش بیش برفش بیشتر» اشاره می کند و با بهره گیری از آن منظور خویش را بیان می کند:

هر که بامش بیش برفش بیش، یعنی فصل برف

زندگانی بالاخص اطراف جردن مشکل است

(زروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۱۰۷)

شاعر در بیت زیر با اشاره به ضرب المثلی تصویر مثل گونه خلق کرده است.

شما از نرخ شیرخشک، اصلا هیچ می دانی؟

چرا عاقل کند کاری که بازارد پشیمانی...

(زروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۳۸)

تضمین

زرویی در بیت زیر مصرعی از حافظ شیرازی را تضمین کرده است.

برای عرض هنر بچه اش تپق زد و گفت «فلک به مردم نادان دهد زمام مراد»

(زروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۹۱)

تناقض

شاعر در بند زیر به «صبح سیاه» اشاره می کند و تصویری متناقض را می آفریند.

اندوه سایه های هیاهو
در کوله بار حجم تفکر
سلول خنده آور صبحی سیاه بود
(زروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۱۶)
اغراق

اشاره‌ای که شاعر به عدد «هزار» دارد از نوع کثرت است و بدین گونه اغراق کرده است.
گذاشته روی میز من به پوشه
هزار خانمند توی این لیست
(زروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۱۹۵)
کنایه

در بیت زیر «دستمون نمک نداره» کنایه از این است که هیچ کس قدر و ارزش کار ما را نمی‌داند.
بی نمکیم و جای شک نداره
(زروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۱۷۰)

در بیت زیر «محل سگ به کسی نگذاشتن» کنایه از بی‌توجهی و بی‌محل‌ی کردن به طرف مقابل است.
حالا که هیچ، وقتی دوستم داشتی که
محل سگ بهم نمی‌ذاشتی که
(زروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۱۸۱)
تشبیه

شاعر در بیت زیر خود را به مرغ خانگی تشبیه کرده و وجه شبه این تشبیه را رام بودن و منفعل بودن دانسته است.
رام بی آب و دانگی شده ام
(زروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۳۸۸)

در شعر زیر، شاعر گوشت را به چرم ساغری تشبیه کرده و در ادامه آن را به لحاظ سفتی از چرم نیز بدتر دانسته است.
گر بعض گوشت ها، بتر از چرم ساغری
از حیث محکمی است

بی دردرس هر آنچه که مشکل در عالمی است
(زروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۲۶)

شاعر خود را به بعضی از رجال و مسئولان تشبیه کرده است و وجه شبه این تشبیه را خونسردی دانسته است.
ما هم البته مثل بعض رجال
چون که تحریم هم خودش محکی است
(زروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۴۰۸)
استعاره

در شعر زیر «دانه»، استعاره از ظاهرسازی است.
اشکمان مصلحتی بود خدا را نفریفت
(زروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۱۳۲)

«احمدآباد خیال» در بیت زیر، اضافه استعاری است.
از سیاهستان افکارم زغال
(زروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۱۳۸)
تضاد

در بیت زیر میان واژگان «صغیر» و «کبیر» تضاد برقرار است.
مدتی دایما به نام حقیر

می رسد نامه از صغیر و کبیر
(زروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۲۳۶)

در شعر زیر میان نفرین و لعنت و در ادامه، دعا و ذکر سجایا و فضل تضاد برقرار است.
گفتم دو روز پیش

رفتم برای سر زدن و پرس و جوی حال
از مادر عیال
اول گلایه کرد

بعدا به بنده لعنت و نفرین و آیه کرد
وقتی کمی گذشت

مشغول شد به ذکر سجایا و فضل من
از بس که دم دمی است...

(زروئی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۲۵)
ملع

زروئی در بعضی از اشعار این مجموعه جملات ساده ی انگلیسی را با نوشتار فارسی نیز وارد شعر می کند.
من که درس انگلیسی خوانده ام
داستان های پلیسی خوانده ام

زرویی با بهره‌گیری از صور خیال وجه طنز در شعر خویش را پررنگ‌تر کرده است. در این بخش برآنیم تا به کارگیری صورخیال و نقش آن در طنزپردازی و طنزآفرینی را بررسی کنیم.

شاعر در بیت زیر به تصویری آشنا اشاره کرده با تحقیر آن را مورد انتقاد قرار داده است.

اهل رزگونه است و زیرابرو

پسران اهل عشوه اند و تتو

یکی از مهم‌ترین صورخیال تشبیه است. زرویی در بیت زیر پدر را به شیر نر تشبیه کرده است و مرادش انتقاد از جوانان امروزی است.

پدری مثل شیر نر بی باک

پدری در بیان حق چالاک

در بیت زیر شاعر فرد را دعوت به تحامق می‌کند و بدین‌سان منفعل بودن آدمی را در این زمانه و جامعه، نقد می‌کند.

من شدم گوسفند قربانی

یا بگو توی این پریشانی

که تو منت گذاشتی سرشان

تا شود خالصانه باورشان

اغراق یکی از وجوه صور خیال است. در شعر زیر شاعر به ستایشی اغراق‌آمیز دست زده که در دل خود نوعی نکوهش است.

های ملاً جان

من که چشمم خشک شد بر راه

ای قناسای قدت، موزون

مقدمت میمون

ای سهی بالا

اغراق در تهکم، نفرین و دشنام

شاعر در بیت زیر با بیانی شاعرانه و تصویری دانشگاه، مدرک‌گرایی و تجارت در آن را نقد می‌کند.

ما در خیال مدرک بی‌مصرف خویش

آینده تابان کشک‌آلود خود را

آرام آرام

در این تجارت‌خانه معروف و گمنام

چشم‌انتظاریم

در شعر زیر نیز با نوعی اغراق از نوع اغراق منفی (دشنام و توهین) روبروئیم.

آخ ای بدجنس لاکردار

یا برو جای دگر یا لااقل دست از سرم بردار

این قدر سر به سرم نگذار

شاعر در شعر زیر به نظیره‌گویی شعر «زمستان» اخوان پرداخته است. این شعر اعتراض و انتقادی است به برخی از رفتارهای شهرداری.

هلا ای شهروندانی که بی تزویر و بی ترفند

شکفته روی لب هاتان ز شادی غنچه ی لبخند

منم من شهرداری مرد گلدان مند

منم مرد عوارض گیر خودیاری رساننده

شاعر در بیت زیر علاوه بر انتقادی که فقر عامه مردم می‌کند به متکدیان نیز نقبی می‌زند و رفتار ایشان را نقد می‌کند و بیت را با سوالی تجاهل‌العارف‌گونه به پایان می‌رساند.

بر تو می‌چسبد مثال مرد مؤمن بر ضریح

بسیاری از آشنایی زدایی‌هایی که در شعر زرویی نصرآباد خلق شده است در حوزه محتوا و اندیشه است.

روزگار بدی شده است
این آمریکای جهان‌خوار
هی با پینزا به ما تهاجم فرهنگی می‌کند
و ما هی مقابله می‌کنیم
پینزا دل ما را به درد می‌آورد
گیرم از پس این فتنه برآمدیم
با لازانیا و استروگانف چه کنیم؟!
(زرویی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۱۲۱)
نتیجه‌گیری

آنچه در این جستار به آن پرداختیم؛ بررسی صور خیال در شعر ابوالفضل زرویی نصرآباد بود. از آنجا که این شاعر بیشتر به طنزگویی و طنزپردازی شهره است، مجموعه شعر طنز «رفوزه‌ها» اساس کار ما قرار گرفت. مهم‌ترین صور خیال در اشعار شاعر استخراج و بررسی شد. در این بررسی به نتایج زیر رسیدیم: آنچه بیش از هر چیز برای زرویی نصرآباد اهمیت داشته، طنز و نگاه انتقادی به اوضاع و احوال جامعه بوده است. این نگاه سبب شده است که وی بیشتر به محتوا توجه کند و پرداختن به صورخیال شعرا و در حاشیه قرار گیرد. زرویی نصرآباد به قدر کفایت از صور خیال استفاده کرده است اما صورخیال در شعر او غالباً تصاویری تکراری‌اند. این تکراری و دم‌دستی بودن صور خیال نیز مهر تأییدی است بر توجه زیاد وی بر پرداخت محتوایی و رسالت طنز و انتقاد. بخشی از این مقاله به صور خیال و تأثیر آن در طنزآمیز کردن شعر پرداخت. در این بخش صورخیالی را که در خدمت طنز قرار گرفته شده را بررسی کردیم. در این بخش نیز نتایج بخش اول به دست آمد. شاعر از صور خیال بهره برده است اما این صورخیالی صرفاً وسیله‌ای برای رساندن محتوا و رسیدن به هدف موردنظر بوده است.

منابع و مأخذ

۱. الهامی، محسن (۱۳۷۳). شعر چیست؟ تهران: انتشارات ویرای دانش.
۲. رجبزاده، شهرام (۱۳۸۱). شهامت و شتاب (مروری بر کارنامه ناصر کشاورز در عرصه شعر نوجوان). پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان. شماره ۳۱.
۳. زرویی نصرآباد، ابوالفضل (۱۳۹۱). رفوزه‌ها. چاپ دوم. تهران: نیستان
۴. سنگری، محمدرضا (۱۳۸۰). نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس. تهران: نشر پالیزبان.
۵. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۳). صور خیال در شعر فارسی. چاپ نهم. تهران: انتشارات آگاه.
۶. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۷). گزیده غزلیات شمس. چاپ هفتم. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۷. شیرین، قهرمان (۱۳۷۶). راز طنز آوری. ماهنامه ی ادبیات معاصر. سال دوم. شماره ی ۱۷. ص: ۴۲
۸. علوی مقدم، محمد (۱۳۷۰). صورخیال در شعر خواجه کرمانی. مجله آشنا. شماره ۳.
۹. علی پور، مصطفی (۱۳۸۷). ساختار زبان شعر امروز. چاپ سوم. تهران: انتشارات فردوسی.
۱۰. موسوی، زهره (۱۳۸۷). سیر تحول قطعه در شعر فارسی، تهران: انتشارات صنم.
۱۱. نظامی عروضی سمرقندی، احمدبن عمر بن علی (۱۳۶۶). چهارمقاله. به اهتمام محمد معین. تهران: امیرکبیر.
۱۲. همایونفرخ، رکن الدین (۱۳۷۰). تاریخ هشت هزار سال شعر ایرانی (پارسی)، ج ۱، چاپ اول، تهران: نشر عام.